

نگرشی بر مؤلفه‌های جامعه اطلاعاتی

فرصت‌ها و چالش‌های ساختاری جامعه اطلاعاتی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران*



علی محمد دوست

دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

Ali.Mohammaddoust2017@yahoo.com

عبدالرضا عالیشاهی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

Abdolreza.alishahi@yahoo.com



چکیده

در عصر کنونی، اطلاعات، به نماد عصری مبدل گردیده که ما در آن زندگی می‌کنیم. امروزه بارها سخن از انفجار اطلاعاتی، انقلاب، تکنولوژی اطلاعاتی و حتی جامعه اطلاعاتی به میان می‌آید. اصطلاح جامعه اطلاعاتی، بازگوکننده توسعه تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است. امروزه اطلاعات در تمام صور خود به کمک شبکه‌های انفورماتیک، با سرعتی بیش‌ازپیش در دسترس است. این روند با توجه به کاربرد روزافزون بزرگراه‌های اطلاعاتی، در حال سرعت گرفتن بوده و اطلاعات به عنوان یک کالای قیمتی، در عرصه تمدن کنونی جهان ظاهر می‌شود. استقرار این جامعه، سبب ایجاد صنایع، مشاغل و محصولات تازه می‌گردد؛ واقعیتی که زمینه‌های اقتصادی جامعه را با مظاهر جدیدی مواجه می‌کند.

زیرساخت‌های جامعه اطلاعاتی را می‌توانیم در سه دسته زیر قرار دهیم:

الف. زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور؛

ب. زیرساخت‌های مرتبط با دانش‌ها؛

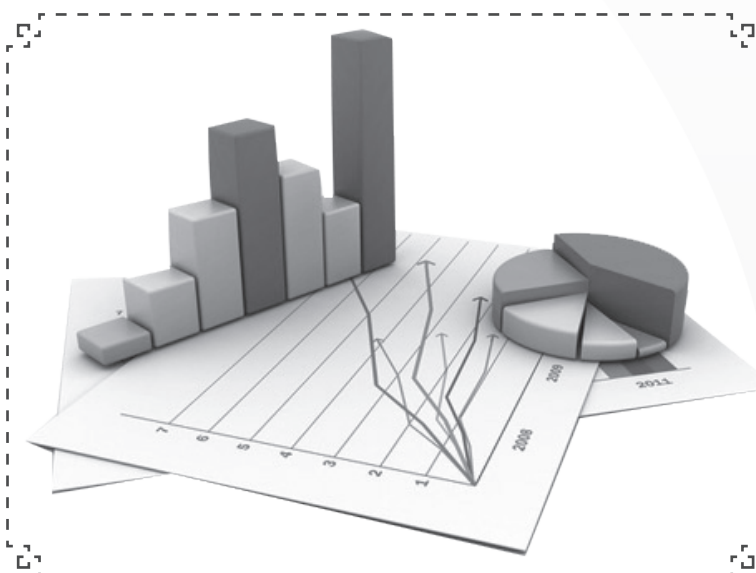
ج. زیرساخت‌های تکنولوژیک مرتبط‌کننده اطلاعات. در واقع، جامعه اطلاعاتی قبل از هرچیز، مولود پیوندهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری متعددی است که ریشه در ساختار فنی - اجتماعی آن دارد. در اینجا می‌توان به مواردی از آنها اشاره کرد: دیجیتال، پیدایش زبان‌های نوین کامپیوتری همچون Gmail، توسعه تمامی اجزای شبکه‌های مخابراتی مثل: کابل نوری، ماهواره و تلفی‌ها، و بالاخره پیوند همگی آنها در ساختاری به نام اینترنت که شبکه را عملاً از دیوارهای قبلی (سازمانی، محلی و ملی) رها می‌سازد. جامعه اطلاعاتی، دربردارنده صور نوین ارتباطی در پرتو ابزارهای خاصی مثل اینترنت می‌باشد که می‌توان به دوستیابی، کنفرانس، مناظره الکترونیک و... اشاره کرد. این پدیده، سبب ایجاد انواعی از اجتماعات مجازی در فضای الکترونیک گشته است. به این اعتبار، می‌توان گفت فضاهایی با عناصر جدید و بدون مرزهای جغرافیایی و سیاسی، روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یافته‌های مقاله همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، حاکی از این موضوع است که ظهور جامعه اطلاعاتی، مقارن با چند پدیده می‌باشد؛ مواردی همچون: الف. جهانی شدن اقتصاد؛ ب. ظهور اقتصاد مبتنی بر دانایی؛ ج. توسعه و کاربرد عمیق شبکه‌های ارتباطی و پیام‌های دیجیتال.

کلیدواژگان: جامعه اطلاعاتی، شبکه‌های ارتباطات، توسعه، ایران.

* این مقاله، از آثار ششمین همایش علمی - پژوهشی «علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران» گرفته شده است.

مقدمه

در دنیای امروز، تولید اطلاعات و دانش فنی و کاربرد آن، فرایندی است که با دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و به‌کارگیری آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی، نوعی مزیت و برتری شمرده می‌شود. نتایج تحقیقات، نظریه‌پردازی‌ها، آزمایش‌های راهبردی، شکل‌گیری مفاهیم، مشاهده‌ها، فناوری‌ها و... را می‌توان به شکل‌های قابل استفاده برای دیگر محققان ارائه کرد. جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای است همراه با خدمات اطلاعاتی



رسانه‌های همگانی که با آهنگی سریع‌تر از دیگر جوامع و تفوق بر اندوخته‌های تجربی و دانش محض به پیش می‌رود؛ جامعه‌ای که ارتباطات، عامل انتقال‌دهنده واقعی برای ایجاد تغییر و تحول در هر فرد به منظور دستیابی عملی به اطلاعات بی‌حد و مرز است و در آن، ارتباطات شبکه اطلاعاتی جهانی، جایگزین سرویس ارتباطات تلفنی جهانی شده و تولید ارزش‌های اطلاعاتی، عامل تعیین‌کننده‌ای در توسعه جامعه است. در جامعه اطلاعاتی، الگوهای سطح زندگی شغلی، اوقات فراغت، نظام آموزشی، و عرصه دادوستد، مشخصاً از پیشرفت اطلاعات و دانش فنی متأثر است. این پدیده، نشئت‌گرفته از رشد فزاینده تولید انبوه اطلاعات در طیف گسترده رسانه‌های جمعی است که بیشتر آنها نیز به صورت الکترونیکی ظهور می‌یابد.

(اجاق، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۷)

۱. تبیین تاریخچه جامعه اطلاعاتی

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، در غرب، به‌ویژه در برخی از کشورهای پیشرفته، تحولات

عظیمی در زمینه اطلاعات و اطلاع‌رسانی صورت گرفته است. در دهه ۱۹۸۰ کامپیوتر وارد خانه‌ها و ادارات شد، تشکیلات اقتصادی دارای بخش اطلاع‌رسانی گردید و دادوستدهای جهانی و بین‌المللی در طول شبانه‌روز از طریق شبکه‌های ارتباطی با سرعت بیشتری صورت می‌پذیرفت و عامل تعیین‌کننده‌ای در زندگی مردم به شمار می‌رفت. در دهه ۱۹۹۰ مردم با ساعات کار کمتر، بازده کاری بیشتری را ارائه می‌دهند و کارهای اداری، بدون تبادل کاغذ صورت می‌پذیرد؛ درست مانند کلبه الکترونیکی که در این دهه، بیش از یک افسانه می‌نماید. طبقه‌بندی جدید با ویژگی فقر اطلاعاتی در اثر بروز شکل جدید از برتری‌طلبی و به شکل غلبه الکترونیکی در عرصه جهانی پدیدار شده است. بدین ترتیب، تولد عصر جدیدی به نام «عصر اطلاعات» در حال وقوع است. (شکرخواه، ۱۳۸۴: ۱۸-۲۳)

در این دوران، نه تنها افزایش حجم اطلاعات یا فعالیت‌های مربوط به اطلاع‌رسانی، بلکه تحولاتی که به تغییر جامعه متکی به کشاورزی، به جامعه متکی به صنعت و پس از آن به جامعه متکی بر اطلاعات مرتبط می‌باشد، بارز است. تعریف جامعه اطلاعاتی، به شیوه‌ای خاص اشاره‌ای ندارد؛ ولی آشکارا با جوامع غربی و سرمایه‌داری مرتبط است. جوامع سوسیالیست، با گرایش استبدادی و مطلقه خود، نمی‌توانستند عامل شکل‌گیری یک جامعه اطلاعاتی باشند. شاید انبوه اطلاعات و اشاعه آن با فناوری‌های ارتباطی غرب بود که از هم‌پاشی نظام شوروی سابق و کشورهای اروپایی شرقی را در پی داشت. اکنون این خطر وجود دارد که اشاعه و پردازش اطلاعات، به میزان بالایی در کنترل عده‌قلیلی از کشورهای حاکم قرار گیرد و از دست دادن آزادی فکر و تصمیم‌گیری مستقل، یک خطر جدی برای کشورهای دیگر جهان است. بر این اساس، در ارتباطات اطلاعاتی بین‌المللی، برتری کشورهای توسعه‌یافته آشکار است و صدور اطلاعات آنها، بیش از واردات آن از کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و اروپای مرکزی و شرقی است. (Bedi, 2001: 13-15)

در جوامع کنونی، مشخصاً به دو زیرگروه فقرای اطلاعاتی و ثروتمندان اطلاعاتی برمی‌خوریم. از این رو، زمانی که جریان اطلاعات در جامعه از تحرک بیشتری برخوردار شود، آنهایی که از وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری بهره‌مندند، سریع‌تر از قشر ضعیف این اطلاعات را تصاحب می‌کنند. در نتیجه، با رشد تمایز اطلاعاتی، تبعیض میان طبقه برتر سیاسی - اقتصادی و علمی و اقشار مادیون آن، رو به فزونی خواهد گذاشت. با توجه به خطرات ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری در دهه پایانی قرن بیستم، لیون با وقوف به این امر که نظارت بر فناوری‌های اطلاعاتی می‌تواند در آینده مسئله‌ساز باشد، خطر تمرکز قدرت در جوامع اطلاعاتی را گوشزد می‌نماید. لیون، به توسعه بخشی اطلاعات در اقتصاد نوین نظر مساعدی ندارد؛ زیرا نه تنها تخصیص بسیاری از مشاغل بر پایه اطلاعات را امری مشکل‌زا می‌داند، بلکه با متکی شدن تمام زوایای فعالیت‌ها بر اساس اطلاعات، جریان تفکیک مشاغل به طبقات اطلاعاتی و غیراطلاعاتی، مشکلات و تردیدهای فراوانی را به دنبال خواهد داشت. (Heeks, 2006: 3-4)

۲. معیارهای جوامع اطلاعاتی

الف. معیار اقتصادی: به عنوان اولین معیار و وسیله‌ای برای پیشرفت به سوی جامعه اطلاعاتی، می‌توان اطلاعات اقتصادی را نام برد که ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی از سال ۱۹۶۰ تاکنون می‌باشد. پژوهش‌هایی که ماخ لوپ و پورت (Mach Loop & Port) در این زمینه انجام دادند، به نگرش‌های تازه‌ای به نقش اطلاعات در اقتصاد کشورهای در

حال توسعه و توسعه‌یافته منجر شد. مفهوم یک مبحث جدید اطلاعاتی که نشانگر اقتصادی گذرا از حالت اولیه، یعنی اقتصاد متکی به کشاورزی، به اقتصادی متکی به صنعت و سپس متکی به اطلاعات است و این، به توصیف عناصر تشکیل‌دهنده اقتصاد با عباراتی چون: صنعت اطلاعات، بازار اطلاعات و کارکنان اطلاعات انجامید که امروزه وارد زبان روزمره شده‌اند. همین مسئله، سبب بروز تحولاتی در ساختار اشتغال، به صورت گسترش مشاغلی در زمینه‌های خدمات شخصی، بازرگانی، آموزشی، بهداشتی، ارتباطی و مالی شده است. بر اساس اظهارات یونشر، عامل اصلی در اطلاع‌رسانی، رشد بوروکراسی و نیروی انسانی غیرمولد ناشی از پیشرفت صنعتی بود که سبب افزایش پیچیدگی اقتصادی، گرایش به تخصص لازم در هر رشته، و در نتیجه، به کارگیری متخصصان اطلاع‌رسانی گردید. (Garnham, 2003: 28-29)

ب. معیار فناوری: ما در عصری قرار داریم که در تمامی جوامع در زمینه‌های: مالیاتی، امنیت ملی، ثبت اسناد، کارت اعتباری، پزشکی و...، اطلاعات به صورت رقمی عرضه

اطلاعاتی کردن جوامع در حال توسعه، موجب تضاد آشکار میان فقرای اطلاعاتی و ثروتمندان اطلاعاتی می‌گردد. میزان و کیفیت اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی و مدیریت بر اساس نظام آماري اطلاعات، بیش از آن مدی است که بتوان آن را به طور متمرکز ارزیابی کرد و به همان مقیاس به کار برد

می‌گردد و با توجه به شرایط امنیت ملی و بین‌المللی و از طریق به‌کارگیری کامپیوتر و ارتباط آن با ماهواره‌های دفاعی و سیستم‌های پیش‌آگهی‌دهنده تا سیستم پیشگویی شرایط آب و هوایی و دریانوردی، اطلاعات لازم در دسترس قرار می‌گیرد. اگرچه پیشرفت فناوری به‌خودی‌خود شرط کافی برای نیل به جامعه اطلاعاتی نیست؛ اما یک پیش‌نیاز ضروری شمرده می‌شود. کلید چنین پیشرفتی در میزان تفکیک‌پذیری این فناوری‌ها از زندگی روزمره شهروندان و کاربرد آنها نهفته است. تحقیق انجام‌شده توسط هلال، نشانگر کاربرد وسیع فناوری‌های پیشرفته شامل: رایانه‌های نوری، متخصصان خبره و نظام اطلاع‌رسانی مبتنی بر دانش فنی و کتابخانه‌های الکترونیکی در سال‌های پس از ۲۰۰۰ می‌باشد. همچنین، خدمات اطلاع‌رسانی که پیامد تحولات آگاهانه اجتماعی است، به شکل آموزش از راه دور شبکه‌های اطلاع‌رسانی، کنفرانس‌های خبری از راه دور و دادوستد و بازاریابی از طریق شبکه‌های رایانه‌ای رواج می‌یابد. (Beck, 2009: 197-201)

ج. معیار اجتماعی: تحول اجتماعی مبتنی بر اطلاعات، شامل تأثیر آزادی تدوین قانون حاکم بر مبادله اطلاعات می‌باشد که در آن، ایجاد شبکه اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی می‌تواند به تجدید حیات خانواده و جامعه منجر شود. انزوای قشر دارای فقر اطلاعاتی در جامعه الکترونیکی، با شکل‌گیری مجدد قشر محکوم و ضعیف در جامعه اطلاعاتی که توسط کارفرمایان استثمار می‌شوند و نادیده گرفتن حقوق این قشر در انعقاد قراردادها، بار دیگر به شکل جدیدی بروز می‌نماید. ماسودا (Yoneji Masuda) به طرح جامعه اطلاعاتی می‌پردازد که در آن، محور اصلی ارزش‌های اطلاعاتی، بر ارزش‌های مادی غلبه می‌کند و در اقتصاد این جامعه، سرمایه اطلاعات و دانش فنی، بر سرمایه مواد برتری می‌یابد. (Masuda, 2000: 18-19)

د. معیار سیاسی: تمرکز قدرت، نفوذ سیاسی و تحولات اجتماعی ناشی از اطلاعات، دلیل آشکاری بر مزایا و منافع ایجاد یک قطب اطلاعاتی است که سبب تغییرات بنیادین سیاسی از طریق پوشش خبری، نظیر آنچه در شوروی سابق و بلوک شرق رخ داده، می‌باشد.

چنانچه بخش آخرین رویدادها از طریق رسانه‌های همگانی را از نظر فقر اطلاعاتی و غنای اطلاعاتی بنگریم، پیامد آن، تبدیل جامعه جهانی به دو گروه مخاطبان منفعل و صرفاً مصرف‌کننده و رسانه‌های جمعی از یک سو، و شمار قلیلی از کشورهای برتر و نیز افراد سرآمد کشورها و تولیدکنندگان فعال و کاربران اطلاعات الکترونیکی از سوی دیگر خواهد بود. (Duff, 2000: 37-40)

هـ معیار فرهنگی: بسیاری از ناظران، به دیدن نشانه‌های تحول در ارزش‌های فرهنگی به دنبال پیشرفت جامعه اطلاعاتی گرایش دارند؛ هرچند باید خاطر نشان کرد که جوامع مختلف، واکنش‌های متفاوتی در برابر حضور فناوری‌های پیشرفته دارند و حتی فرهنگ جهانی الکترونیک، مستعد پذیرش تأثیرات محلی و ملی است. در حقیقت، آنچه در حال وقوع است، توسعه و تعامل گسترده فرهنگ‌ها است؛ نه به اصطلاح فرهنگ نوپایی که تحول و تغییر اساسی شیوه زندگی را در سراسر جهان به دنبال داشته باشد. (Ibid: 42)

همواره خطر استیلا یکی فرهنگ وجود داشته است؛ فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های مادی‌گرایی غرب که جایگزین فرهنگ بومی شود و جهانی را در اثر فقر فرهنگی به پوچی گرایش دهد. اگرچه ممکن است یک خبر، واکنش‌های متفاوتی را در کشورهای مختلف ایجاد کند، اما نادیده انگاشتن تأثیرات بالقوه سوء جریان جهانی اطلاعات بر روی هویت و تنوع فرهنگی کشورها، امری خطرناک شمرده می‌شود؛ زیرا ممکن است به پذیرش فرهنگ‌هایی منجر شود که تأکید بیشتری بر بی‌پروایی و صراحت در تبادل اطلاعات گوناگون و به‌ویژه مبادله متمرکز اطلاعات در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند. فرار مغزها، به مهاجرت مهندسان و محققان کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته می‌انجامد و بهترین متخصصان کارآمد در زمینه علوم و فناوری، به کشورهای ثروتمند غرب مهاجرت می‌کنند. کشورهایی که این نیروها را از دست می‌دهند، بدین ترتیب، سطح فناوری آنان نیز تنزیل می‌یابد. راهبردهای مدرن‌سازی در کشورهای جهان سوم، غالباً به افزایش بدهی‌های خارجی، بهبود ارتباطات راه دور بین‌المللی به جای توسعه شبکه اطلاعاتی و مخابراتی بومی منجر می‌گردد. شرکت‌های بزرگ مخابراتی در روابط بازرگانی با شرق، تنها برای ایجاد رقابت ناسالم محلی تلاش می‌کنند و در این راستا، توسعه ناهماهنگ اجتماعی را در فضای ارتباطات راه دور ایجاد می‌نمایند. (مرادی، ۱۳۸۸: ۲۵۸-۲۷۱)

اطلاعاتی کردن جوامع در حال توسعه، موجب تضاد آشکار میان فقرای اطلاعاتی و ثروتمندان اطلاعاتی می‌گردد. میزان و کیفیت اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی و مدیریت براساس نظام آماری اطلاعات، بیش از آن حدی است که به توان آن را به طور متمرکز ارزیابی کرد و به همان مقیاس به کار برد. در نتیجه، با وجود اینکه کشورهای حاکم به طور حتم از نظر اطلاعاتی غنی هستند، اینکه دارای غنای علمی حقیقی نیز باشند، جای سؤال جدی است. در مقابل، مردمان کشورهای کوچک و تحت سلطه می‌توانند به غنای دانش حقیقی دست یابند؛ زیرا دانش و اطلاعات مردم این کشورها که با کسب تجاربی در زمینه کمبودها، فقر، سختی، درد، وابستگی و ظلم و ستم همراه می‌باشد، عمیق، پایدار و ابدی است. چنانچه تفاوت ذکرشده بالا میان اطلاعات و دانش را بپذیریم، در این صورت، گسترش سیستم‌های اطلاعاتی به صورت کمی برای هر کشور در حال توسعه نامعقول و بی‌دلیل خواهد بود و هدف باید به طور کلی، بهبود کیفی این نظام باشد.

در عصر جدید، اطلاعاتی شدن به معنای بین‌المللی شدن و جهانی شدن است و این روند، همواره همانندسازی فرهنگ‌ها را به دنبال خواهد داشت. به طور طبیعی، هر فرهنگ متعلق به یک محل یا منطقه خاص و دربرگیرنده دانش جامع و اندوخته‌شده نسل‌ها و بازتاب استعدادها و ویژگی‌های یک گروه در مقایسه با دیگر گروه‌هاست که در زبان و لهجه ظهور می‌یابد و احساس تعلق به یک سرزمین و هویت اجدادی را به همراه دارد. دقیقاً به جهت همین احساس است که نمی‌توان فرهنگ را به عنوان یک ابزار مورد استفاده خصوصی یا تجاری قرار داد. (ودادی و دشتی رحمت آبادی، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۰) از سویی دیگر، مهم‌ترین و رایج‌ترین معیارهای جامعه اطلاعاتی به عبارت ذیل است:

– فناوری: بدیهی است، تغییرات اساسی که در سه دهه گذشته به وجود آمده، فناوری در آن نقش بسیار برجسته‌ای داشته است. به همین جهت، مقبول‌ترین تعریف جامعه اطلاعاتی، بر نوآوری فوق‌العاده تکنولوژیک بنا شده است. (وبستر، ۲۰۱۳۸۰: ۲۰) فرانک وبستر (Frank Webster) در تعریف جامعه اطلاعاتی با اتکا به عنصر فناوری می‌گوید پیشرفت‌های خیره‌کننده در پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات، به کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی در تمامی زوایای حیات اجتماعی انجامیده است. (بهرام پور، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۶) با نفوذ رایانه‌ها در تمامی زمینه‌های زندگی بشر از قبیل: ادارات، منازل، خودروها، تلویزیون‌ها، اسباب‌بازی کودکان، و نیز ارزان شدن فناوری‌های پردازش و نگهداری اطلاعات از طریق

رایانه‌ها و تاثیر آن بر ارتباطات راه دور و ایجاد شبکه‌های جهانی، تحول عظیمی در زندگی بشر رخ داده است. شبکه‌های اطلاعاتی در آینده‌ای نه چندان دور، بر تمامی جنبه‌های زندگی انسان اثر می‌گذارد و در چند سال آینده، کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که به نوعی از آنها استفاده نکند یا این فناوری‌ها در زندگی او حضور نداشته باشد. در نتیجه، وجود نوآوری‌های بسیار زیاد در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، یکی از عوامل ظهور جامعه اطلاعاتی است.

– جهانی شدن: یکی دیگر از مشخصه‌ها یا ویژگی‌هایی که جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای با آن تعریف می‌شود، جهانی شدن است. مطابق معیاری که وبستر ارائه می‌دهد، جهانی شدن مقوله است که ذیل جامعه اطلاعاتی معنا پیدا می‌کند. جهانی شدن، عبارت است از درهم‌فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد، و یا تراکم آگاهی درباره کل نزد اجزا؛ به تعبیری، جهانی شدن همان یگانه‌شدن جهان و نه وحدت و ادغام آن است. این تعبیر از جهانی شدن، مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است. مطابق این تعریف، جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای است که در آن تجارت، رسانه‌ها و ارتباطات علمی دانشگاهی و آموزش در سراسر جهان یگانه می‌شود. (Webster, 2002: 10-12)

با ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تمامی کاربرانی که از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند، زبان یگانه پیدا کرده و با اینکه فرسنگ‌ها از هم فاصله دارند، اما به شکل باورنکردنی زندگی روزمره آنها بسیار شبیه به هم است و صرفاً فقط سلیقه‌های مختلف است که باقی می‌ماند؛ یعنی کاربران این شبکه‌ها نسبت به هم احساس



نزدیکی بیشتری دارند تا همسایگانی که در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند. از این رو، گفته می‌شود جامعه اطلاعاتی، جهان فشرده شده و یگانه شده است. (Ibid: 14)

– مشاغل اطلاعاتی: یکی از معیارها و مشخصه‌های متداول در تعریف جامعه اطلاعاتی، معیاری است که بر مسئله تغییرات شغلی متمرکز است. در واقع، به علت تغییر مشاغل که با کار بدنی و فعالیت‌های بدنی همراه است، به مشاغل اطلاعاتی، یعنی مشاغل که به کارهای فکری با مهارت بیشتر یا به عبارت دیگر، کارهایی که در فرایند تولید، پردازش و توزیع اطلاعات دخیل هستند، جامعه اطلاعاتی ظهور پیدا کرده است. گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر، مشاغل یقه سفیدان یا مشاغل که اساساً با تولید و کاربرد اطلاعات و زیرساخت‌های پشتیبانی کننده‌اش سروکار دارند، رشدی به مراتب بیش از سایر مشاغل دارند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۲). به تعبیر وبستر امروز بازار کار توسط کسانی اداره می‌شود که با نرم‌افزارها سروکار دارند و در فرایند تولید، پردازش و توزیع اطلاعات سهیم‌اند و زندگی خود را به یمن این امتیاز که دارای اطلاعاتی برای انجام امور مورد نیاز جامعه هستند و در تولید و توزیع و همچنین در پردازش آن نقش دارند، تأمین می‌کنند. بنابراین، با ظهور رشد و توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سطح جهان، نیروی کار اطلاعاتی به رشد فوق‌العاده‌ای رسیده است. از این رو، محققان، جابه‌جایی در توزیع مشاغل را یکی از مشخصه‌های جامعه اطلاعاتی برمی‌شمرند. (Webster, 2007:152)

– فراگیری رسانه‌ها: یکی از معیارها و مشخصه‌های مربوط به ظهور جامعه اطلاعاتی، سرعت فراگیری رسانه‌هاست. سرعت فراگیری رسانه‌ها که در واقع در اثر نوآوری‌های فوق‌العاده و بی‌بدیل فناوری اطلاعاتی و ارتباطی به وجود آمده است، قلمرو زندگی خصوصی انسان‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با پیشرفت‌هایی که در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی فراهم آمده است، خدمات تلویزیونی با شبکه‌هایی از مؤسسات و نهادهای گسترده و نهایتاً با ماهواره‌ها پیوند خورده و به سهولت در هر کجای جهان در دسترس قرار گرفتند. با وجود اینکه سطح دسترسی به این فناوری‌ها در تمامی دنیا به طور یکسان نیست، با این حال، پوشش رسانه‌های جدید، از تلویزیون‌های ماهواره‌ای گرفته تا اینترنت، به شدت رشد کرده و همه جهان را متأثر ساخته است. دسترسی مداوم به رسانه‌ها به طور دائم و این مسئله که در رسانه‌های جدید مخاطبان می‌توانند هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده اطلاعات باشند، باعث شده تا فراگیری آنها بسیار گسترده و سریع باشد. (Hillis, 2014:2-3)

– اقتصادی: شاخص اقتصادی در تعریف جامعه اطلاعاتی، به نظر می‌رسد که به قدر شاخص فناوری اهمیت دارد. فریتز مچلوب (Fritz Machlup) که از پیشگامان مبحث جامعه اطلاعاتی است، به گستره و رشد صنایع اطلاعاتی در ایالات متحده می‌پردازد و نطفه ایجاد مقیاس‌های جامعه اطلاعاتی را مبتنی بر شرایط اقتصادی می‌داند. پیتر دراگر، استاد مدیریت در سال ۱۹۶۷ اظهار داشته که اقتصاد آمریکا از ۲۶ به ۳۴ درصد از یک اقتصاد کالایی یا اقتصاد کالامحور، به اقتصاد اطلاعاتی یا اطلاعات محور تغییر وضعیت داده است. وی تأکید می‌کند دانش یا همان اطلاعات، اساس اقتصاد نوین را تشکیل داده است. در واقع، اطلاعات در جامعه اطلاعاتی، نه تنها دارای ارزش اقتصادی است، بلکه محور اقتصاد قرار گرفته است و هر که قدرت خرید آن و مهارت و آگاهی لازم برای استفاده از آن را داشته باشد، می‌تواند از آن بهره‌مند شود. در این وضعیت، دیگر خرید و فروش و تجارت اطلاعات در سطح ملی و فراملی معنا ندارد؛ بلکه اطلاعات در سطوح متفاوت بازار بین‌المللی، ملی، محلی و نهایتاً بازارهای شخصی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. (Machlup, 2010:22-23)

– جغرافیایی: جامعه اطلاعاتی علاوه بر آنکه از منظر اقتصاددانان و جامعه‌شناسان مورد توجه قرار گرفته و تعریف شده است، از منظر جغرافی‌دانانی که بر مکان توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارند نیز مورد توجه قرار گرفته است. جغرافی‌دانان در بحث مکان، به شبکه‌های اطلاعاتی که مکان‌های جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌دهند، تأکید می‌ورزند و معتقدند که این شبکه‌ها آثار شگفت‌انگیزی بر سازمان فضا و مکان دارند. (Doxiadis, 2013:135)

– فرهنگی: همان‌طور که مسئله فناوری در ظهور جامعه اطلاعاتی، بسیار حایز اهمیت است، جنبه‌های فرهنگی نیز به همان اندازه در پیدایش آن موثر بوده است. وجود برنامه‌های تلویزیونی مداوم در چندین کانال با تنوع بسیار، فیلم‌های ویدئویی

که به سهولت قابل تهیه و اجاره از ویدئو کلپ‌ها هستند، وجود ضبط صوت‌های دیسکی و VCD، CD و DVD که در دسترس همگان است، رایانه‌های شخصی که در هر خانه‌ای موجود است و پایگاه‌های «on-line»، همه و همه در ایجاد بستر فرهنگی بشر بسیار تأثیرگذار بوده و به کاربران این رسانه‌ها خطمشی فرهنگی داده و الگوسازی می‌کند؛ به عبارت دیگر، این سطح از اطلاعات، از لحاظ فرهنگی بر کلیه زمینه‌های زندگی نفوذ کرده و هویت و شخصیت ما را متأثر و دگرگون ساخته است. (2009:369-370 Beniger, پس از اینکه با معیارهایی که موجب ظهور جامعه اطلاعاتی شده‌اند، آشنا شدیم، حال به ذکر چالش‌هایی که با ظهور جامعه اطلاعاتی با آن روبه‌رو خواهیم شد، می‌پردازیم.

۳. چالش‌های ناشی از جامعه اطلاعاتی - نابرابری اجتماعی: در بحث نابرابری یا نابرابری اجتماعی در جامعه اطلاعاتی می‌توان به مقولات متعددی اشاره کرد و موقعیت هریک را در این جامعه توضیح داد؛ به عنوان مثال، کسب نابرابر ثروت شامل درآمد و دارایی‌ها نیز یکی از مقولاتی است که در جامعه اطلاعاتی نیز به شدت در حال افزایش است. بحث برابری و نابرابری اجتماعی در جامعه اطلاعاتی را که مبتنی بر دسترسی برابر یا نابرابر به اطلاعات و رسانه‌هاست، در دو سطح می‌توان مطرح کرد؛ از لحاظ نظری می‌توان گفت مطابق آنچه در تعریف جامعه اطلاعاتی آمده، رسانه‌های جدید اطلاع‌رسانی و شبکه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، انتشار و دسترسی به اطلاعات

و دانش را آسان‌تر و بهتر می‌سازد و سبب کاهش فاصله بین گروه‌ها، افراد و طبقات اجتماعی در داخل هر کشور از یک طرف، و همچنین کاهش فاصله بین کشورها از طرف دیگر می‌شود؛ اما در عمل، جهان شاهد یک شکاف اطلاعاتی دسترسی نابرابر به اطلاعات رسانه‌هاست که با سرعت زیادی در حال افزایش است. (Kling, 2003:116-117)

واقعیت این است که در جامعه اطلاعاتی، نابرابری مذکور به شکل متفاوت از گذشته بروز پیدا کرده و تداوم یافته است. در جامعه اطلاعاتی، از یک طرف، تهیه رایانه و لوازم آن، خط تلفن و مودم، دسترسی به تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سایر وسایل نوین اطلاع‌رسانی در دسترس همگان نیست و تمام افراد توانایی تهیه و دسترسی به آن را ندارند و از طرف دیگر، اکنون آگاهی و مهارت لازم برای استفاده از اینترنت و سایر وسایل نوین ارتباطی و اطلاعاتی نابرابر است. روشن است که هر دو مقوله، یعنی «دسترسی افراد به رایانه و شبکه‌های نوین ارتباطی» و «مهارت افراد برای استفاده از وسایل مذکور» هم در درون هر کشور و هم در بین کشورهای مختلف به شکل نابرابر وجود دارد؛ یعنی از یک سو، در جوامع پیشرفته دسترسی به وسایل مذکور، و همچنین مهارت لازم استفاده از این وسایل، در مقایسه با کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، بسیار زیاد است و از سوی دیگر، در داخل هریک از کشورها این نابرابری به شکل محسوسی وجود دارد. محققانی چون جان ون دایک (John Charles Van Dyke) معتقدند که ما در جامعه اطلاعاتی شاهد یک نابرابری در مهارت‌های دیجیتال هستیم. تحقیق سال ۱۹۹۷ در آلمان نشان می‌دهد هرچه از وسایل نوین ارتباطی و اطلاعاتی که مهارت خاصی نمی‌خواهند، مثل استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای، VCD، VCR و DVD، ارسال پست‌های الکترونیک، بازی‌های الکترونیک و مانند آنها، به سوی وسایلی نوین که مهارت و آگاهی خاصی می‌طلبد، حرکت می‌کنیم و درصد استفاده‌کنندگان از فناوری به شدت کاهش می‌یابد؛ به طوری که ۸۵ درصد استفاده‌کنندگان (مردم آلمان) از فناوری، از بازی‌های الکترونیک و تلویزیون‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کردند و ۸۹ درصد به ارسال پست‌های الکترونیک مبادرت می‌ورزیدند؛ اما ۲۲ درصد قادر بودند که با پین کارت (Pin Cart) خود پرداخت کنند و یا ۱۵ درصد می‌توانستند پول‌های خویش را به باجه‌های خودپرداز بپردازند. همچنین، در این سال، تنها ۲۳ درصد به راحتی می‌توانستند از تله‌تکست‌های تلویزیون استفاده کنند. علاوه بر این، نابرابری‌های مذکور نزد نسل جوان و سالخورده و همچنین نزد دارندگان تحصیلات عالی و افرادی که تحصیلات بالایی نداشته‌اند نیز زیاد بوده است. (بهرام پور، پیشین: ۳۴-۳۸)

تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که دسترسی به وسایل مذکور، نابرابر است. بیشتر کاربران وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی مرد، جوان و خوب آموزش دیده هستند و در کشورهای غربی دارای درآمد و سطح زندگی بالا هستند. پیمایشی که از آمارهای رسمی در ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۸۹ انجام گرفته، نشان می‌دهد

که این نابرابری، در همه متغیرهای مورد اشاره، به جز متغیر جنس، افزایش یافته است. ون دایک، همچنین نقل می‌کند تحقیقات دیگری که طی سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹ در آمریکا و اروپای غربی انجام شده، این امر را تأیید کرده است. اطلاعات و فناوری‌های نوین ارتباطی جدید، جهان را به دو قطب، کسانی که در موقعیت استفاده از رسانه‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی هستند و کسانی که دسترسی به این رسانه‌ها ندارند، تقسیم می‌کند. (کاستلز، ۱۳۸۵: ۹۲)

– گسترش نابرابری‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی: اولاً در کشورهای در حال توسعه، به علت فقدان زیرساخت‌های ملی مخابرات و فقدان رونق اقتصادی، توسعه اینترنت بسیار گران‌تر و پرهزینه‌تر از کشورهای توسعه یافته است؛ به عنوان مثال، در آمریکا هر کاربر برای یک ماه اتصال به اینترنت باید ۲ دلار بپردازد؛ در حالی که در اوگاندا همین کاربر باید ۹۲ دلار بابت اتصال ماهانه به اینترنت بپردازد. ثانیاً این کشورها با مشکلات اساسی‌تر همچون: کمبود تغذیه، ارتباطات جاده‌ای، اشتغال، برق، جنگ و نظام‌های سیاسی بی‌ثبات نیز مواجه هستند. بودجه برای هزینه سنگین تجهیزات رایانه‌ای وجود ندارد و این گونه امکانات، به لحاظ اقتصادی صرفاً در اختیار طبقات بالا و مستقل قرار می‌گیرد. ثالثاً در این کشورها از جمله کشور ما ایران، به دلیل آنکه لایه فیزیکی را مخابرات در اختیار دارد، این فناوری در انحصار مراکز دولتی است و دولت متصدی خطوط ارتباطی داده‌ها نیز هست. از این رو، عدم امکان رقابت ناشی از

در کشورهای در حال توسعه، به علت فقدان زیرساخت‌های ملی مخابرات و نبود رونق اقتصادی، توسعه اینترنت بسیار گران‌تر و پرهزینه‌تر از کشورهای توسعه یافته است؛ به عنوان مثال، در آمریکا هر کاربر برای یک ماه اتصال به اینترنت، باید ۲ دلار بپردازد؛ در حالی که در اوگاندا همین کاربر، باید ۹۲ دلار بابت اتصال ماهانه به اینترنت بپردازد. همچنین، این کشورها با مشکلات اساسی‌تر همچون: کمبود تغذیه، نبود ارتباطات جاده‌ای لازم، بیکاری، جنگ و درگیری داخلی و نظام‌های سیاسی بی‌ثبات نیز مواجه هستند

این جنبه، سبب افت شدید کیفیت خدمات اینترنتی می‌شود. علاوه بر مطالب ذکر شده، از آنجا که معمول اطلاعات در شبکه اینترنت به زبان انگلیسی ارائه می‌شود، ناآگاهی از این زبان به منزله دسترسی نداشتن به اطلاعات تلقی می‌شود.

– گسترش نابرابری‌های اجتماعی در سطح ملی: شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت در سطح کشورها و عدم برخورداری متناسب و متعادل در کلان‌شهرها و شهرهای حاشیه‌ای و نقاط محروم از توزیع بودجه‌های عمرانی و اجتماعی و فرهنگی، سطح درآمدهای مختلف که در محدوده خرده فرهنگ‌های درون یک کشور وجود دارد، فضایی را تدارک می‌بینند که عده‌ای به امکانات مناسب و از جمله دسترسی به اطلاعات روز مجهز باشند و در مقابل، عده‌ای به دلیل نبود توانایی مالی و آموزشی، قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، با وجود داشتن صلاحیت و استعداد کافی، از این امکانات برخوردار نباشند. این موضوع، به خودی خود، سبب تعمیق و گسترش نابرابری‌های اجتماعی در سطح کشورها و بین شهروندان خواهد شد. (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۴)

– هویت‌های جدید: جامعه اطلاعاتی، اجتماعات و هویت‌های جدیدی خلق می‌کند. در جامعه‌ای که به ارتباطات مبتنی بر صنعت چاپ، تلویزیون و تلفن متکی است، شیوه تولید به گونه‌ای است که هویت‌ها را به صورت عاقل، سودمند و خودبسنده



جدیدی از ذهنیت را آشکار می‌سازد که در صورت‌بندی‌های گفتار و عملکرد که به لحاظ تاریخی محسوس‌اند، جان می‌گیرد. این ارتباطات، راهگشای نگرستن به انسان به عنوان پدیده‌ای چندلایه، تغییرپذیر، منفعل و چندپاره است؛ پدیده‌ای که شکل‌دادن خویش را به گونه‌ای طراحی می‌کند که با هرگونه تثبیت هویت می‌ستیزد. جامعه اطلاعاتی، مبین هویت بی‌ثبات، تغییرپذیر و منعطف انسان جدید است. در این جامعه، بسا انسان‌هایی که با همسایه‌ها، هم‌محلی‌ها و همشهری‌ها و حتی هموطنان خود احساس قرابت نداشته، ولی با فرد دیگری در اقصی نقاط جهان احساس هویتی یکسان داشته باشند. هویت ملی در جامعه اطلاعاتی، به دلیل ظهور اجتماعات مجازی، به شدت تهدید می‌شود. اجتماعات مجازی، تهدیدی برای اجتماعات واقعی است. در واقع، در اجتماعات مجازی معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن، علایق و منافع است که آنها را دور هم جمع می‌کند. این منافع که همان دسترسی به اطلاعات است، هویت آنها را می‌سازند؛ هویتی که مدام در حال تغییر و ناپایدار است. هویت افراد در اجتماعات مجازی، هویتی دیجیتال است و دیگر مؤلفه‌هایی چون: سرزمین، زبان بومی و محلی، کشور، فرهنگ ملی و نژاد، هویت افراد را در اجتماعات مجازی تعیین نمی‌کنند؛ بلکه منفعی که آنها را نزد هم جمع می‌کند، هویت آنها را می‌سازد. اطلاعات، هویت افراد را در جامعه جدید شکل می‌دهد. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۶۳)

– **تمایز اجتماعی:** مهم‌ترین متغیری که در بحث انسجام اجتماعی در جامعه اطلاعاتی مدنظر قرار می‌گیرد، وحدت بخشی یا تمایزپذیری اجتماعی است. همان‌طور که می‌دانیم اجتماعی شدن و فردی شدن دو روی سکه تجدد و دوره مدون هستند. یعنی دوره مدون دارای یک دوگانگی در ساختار اجتماعی است که از یک طرف به اجتماعی شدن افراد منجر می‌شود و از طرف دیگر فردی

درمی‌آورد؛ اما در جامعه اطلاعاتی، جامعه‌ای که در آن ارتباطات الکترونیک سیطره دارد، ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار، چندلایه و پراکنده ظهور می‌کند. مارک پاستر (Mark Poster) در «عصر دوم رسانه‌ها (The Second Media Age)» تأکید می‌کند در دوره جدید که اینترنت و ارتباطات الکترونیک در جامعه سیطره دارد، این داده‌ها و اطلاعات و مجازی هستند که هویت افراد را می‌سازند (پاستر، ۱۳۷۷: ۶۸-۶۹)

وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در اثر تغییراتی که در برداشت‌های بشر امروزی به وجود می‌آورند، هویت‌ها را در وضعیت کاملاً تازه‌ای قرار می‌دهند که متفاوت و حتی مغایر با گذشته است. هویت در اجتماعات مجازی جامعه اطلاعاتی، در مسیر فراملیتی شدن حرکت می‌کند. در واقع، ارتباطی که با اتکا به وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدید شکل می‌گیرد، چشم‌اندازی از فهم و درک

شدن را تقویت می‌کند. رادیو و تلویزیون در این دوره جوامع محلی و ملی را با یک شبکه محدود یکپارچه ساختند و سپس تکثیر و تنوع کانال‌ها و ظهور تلویزیون‌های کابلی دوباره مخاطبان را چندپاره و به عبارتی چندوجهی کرده است. در پایان این دوره هر چند مخاطبان یک کانال تلویزیونی را از میان تعداد زیاد کانال‌ها انتخاب می‌کنند ولی صاحبان تلویزیون‌ها و آگهی دهندگان هنوز بازار انبوه را ترجیح می‌دهند. رسانه‌های جدید، رسانه‌های فردی شده هستند چون که آنها مبتنی بر تعامل فردی انسان و رایانه هستند. همچنین آنها رسانه‌هایی هستند که به طور جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرند چون که رایانه‌های آنها همگی به شبکه‌ها متصل اند. رسانه‌های جدید تقاضاها و درخواست‌های متکثر کاربران و مخاطبان را پاسخ می‌دهند. از اینرو نتیجه عملی دوگانگی ساختاری رسانه‌ها از طریق گرایش‌های وحدت بخشی و تمایز بخشی در جامعه تعریف می‌شود. نتیجه این دوگانگی ساختاری رسانه‌ها، دوگانگی ساختار اجتماعی جامعه است. به نظر

می‌رسد تجلی دوگانگی مذکور نزد کاربران اینترنت و رسانه‌های مرتبط با آن و آنهایی که به این وسایل جدید ارتباطی و اطلاعاتی دسترسی دارند، قابل ملاحظه تر است. چرا که رسانه‌های مذکور نوعی مناسبات جدید ایجاد می‌کنند که در این مناسبات انسان‌ها بیش از پیش گوشه گیر، منزوی و کم تحرک شده و کم کم از زمینه عملی زندگی خود دور می‌شوند. محققان ارتباطات معتقدند که موفقیت اجتماعات مجازی عملاً به مثابه نشانه زوال اجتماعات واقعی است (پوراسماعیلی، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۸).

۴. فرصت‌های ناشی از جامعه اطلاعاتی

– نقش اینترنت در پژوهش، خلاقیت و علم: از آنجا که زمینه هرگونه نوآوری و خلاقیت، در پژوهش علمی تبلور می‌یابد، بنابراین، پیشرفت فناوری‌های جدید و خلاقیت‌ها از دستاوردهای جامعه اطلاعاتی محسوب می‌شود. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان از طریق اینترنت سازمان داد، عضویت استادان و متخصصان رشته‌های مختلف در گروه‌های تخصصی است. با عضو شدن کاربران اینترنت در این گروه‌ها، آنها می‌توانند در جریان آخرین اطلاعات موجود در رشته‌های تخصصی خود قرار گیرند؛ زیرا همه اعضا در جریان پیام‌های علمی قرار دارند که توسط یک فرد صادر می‌شود. در شرایطی که خطوط ارتباطی از کیفیت لازم برخوردار باشد و در ایستگاه‌های محل کار، هر دو یا چند طرف با امکانات لازم مانند دوربین به سیستم اتصال داشته باشد، آنان می‌توانند تصویر یکدیگر و فعالیت‌های هر کدام را نیز مشاهده کنند. هم‌اکنون انجام عمل‌های مهم جراحی به شکل هدایت از راه دور و با شرکت چند متخصص که هر کدام در گوشه‌ای از دنیا به کار مشغول هستند و می‌توانند در یک آن، ناظر عمل جراحی یا راهنمایی کننده آن باشند، در تعدادی از مراکز مجهز درمانی متداول شده است. (Schement & Curtis, 2005:426-427)

– یکی دیگر از شکل‌های تاحدودی رایج فعالیت‌های پژوهشی که در سطح کشورهای اروپای غربی و امریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد، کنفرانس از راه دور

مبارزه با مواد مخدر در سطح جهانی، مفظ محیط زیست، همبستگی انسان‌ها، احترام به حقوق میات، ممتزم بودن مریم زندگی فصوصی افراد، امیای مقوق مادران و کودکان، تأکید بر عدالت جهانی، گرمی داشتن کرامت انسان‌ها و توجه به مقوق اقلیت‌های دینی و اجتماعی، توسعه پایدار و اجازه مطرح شدن سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، از جمله مباحثی هستند که می‌توانند با بهره‌گیری از فضای موجود جامعه اطلاعاتی، وجه دیگری از تعامل فرهنگ‌ها را نشان دهند



بر نظرخواهی، برایشان مدارک علمی مشابهی از همین رهگذر ارسال دارند یا با خود آنان همکاری مستمر داشته باشند. (Smith & Koollock, 2001:50-51)

– تعامل و همزیستی جهانی و شکل‌گیری هویت سیال و بین‌سیاره‌ای: واقعیت این است که پیشرفت ارتباطات و تکوین جامعه اطلاعاتی فاصله‌ها را کم کرده و به ایجاد نوعی تشابه، به‌ویژه در جوانان، انجامیده است. اعضای کمیسیون توسعه سازمان ملل متحد گزارش داده‌اند که در گردهمایی‌های خود در شهرهای قاره‌های گوناگون، شاهد بوده‌اند که جوانان خیلی شبیه به هم شده‌اند و این شباهت، با رنگ باختن مرز جوامع و رفتن به سوی نوعی جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای، بیشتر شده است؛ باید توجه داشت که به یمن گسترش وسایل ارتباطی و رسانه‌ها، جوامع مختلف اگر آگاهانه و با برنامه‌ریزی عمل کنند، می‌توانند برای تحولات مثبت از آن استفاده کنند و به نوعی همزیستی سالم جهانی نیز دست یابند. مبارزه با مواد مخدر در سطح جهانی، حفظ محیط زیست، همبستگی انسان‌ها، احترام به حق حیات، محترم‌بودن حریم زندگی خصوصی افراد، احیای حقوق مادران و کودکان، تأکید بر عدالت جهانی، گرمی‌داشتن کرامت انسان‌ها و توجه به حقوق اقلیت‌های دینی و اجتماعی، توسعه پایدار و اجازه مطرح‌شدن سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، مباحثی هستند که می‌توانند با بهره‌گیری از همین فضای موجود جامعه اطلاعاتی، وجه دیگری را در تعامل فرهنگ‌ها نشان دهند. به نظر می‌رسد، رسانه‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، تمایزپذیری و بخشی‌شدن را در ایران بیشتر تقویت خواهد کرد؛ تا وحدت و یکپارچگی و انسجام اجتماعی. با وجود تلویزیون‌های ماهواره‌ای و تعداد کانال‌های در دسترس آن در ایران، و از طرفی، محدودیت کانال‌های تلویزیون ایران و نداشتن تنوع، سبب شده است تا گروه‌ها، اقشار، و اقوام مختلف ایرانی بر اساس علاقه از میان کانال‌های ماهواره، برنامه مورد علاقه‌شان را انتخاب کنند. در نتیجه، اصل تکثر رسانه‌ای در جامعه اطلاعاتی، موجب شده تا ایرانی‌ها به سوی تولید و مصرف اطلاعات، برنامه‌ها و کانال‌های مورد علاقه خود کشیده شوند و تعلق گروهی، قومی و مذهبی آنها در این انتخاب و فرایند تقویت می‌شود.

است که در آن، تعدادی از متخصصان – که هرکدام در یک گوشه از کره زمین زندگی می‌کنند – با یکدیگر درباره موضوع مورد علاقه خود به تبادل نظر می‌پردازند. این نوع کنفرانس‌های الکترونیک، در آینده رواج زیاد خواهد یافت و احتمال می‌رود که در مقیاس وسیعی از اهمیت کنفرانس‌های حضوری که بسیار پرهزینه است، کاسته شود. در طول چند دهه اخیر، مجله‌های علمی، در میان پژوهشگران، جایگاه ویژه‌ای در برقراری ارتباطات علمی ایفا کرده‌اند و تعداد این مجله‌ها در سطح جهان همواره رو به افزایش بوده است؛ اما با توجه به گسترش شبکه اینترنت، به‌ویژه در طول پنج سال گذشته، به نظر می‌رسد که در سال‌های آینده، نتوان افزایش تعداد این مجلات را مانند سال‌های گذشته انتظار داشت. همه روزه بر تعداد پژوهشگرانی که برای انتشار نتایج پژوهش‌های خود از این شبکه استفاده می‌کنند، افزوده می‌شود. آنان می‌توانند اطلاعات تولیدی خود را در اختیار تمامی افرادی که امکان دسترسی به این شبکه را دارند، قرار دهند و از آنان نیز بخواهند علاوه

بنابراین، نهایتاً تمایزپذیری بیشتر آنان با جامعه ایرانی به عنوان یک کل و افزایش تعلقات گروهی، مذهبی و قومی حاصل می‌شود. رسانه‌های ارتباطی نوین، این عده از هموطنان را با آنهایی که در سطح جهان تبادل اطلاعات می‌کنند و تعامل دارند، یکپارچه می‌سازد. افراد و گروه‌ها و ملیت‌های مختلف را در جامعه دیگری غیر از جوامع ملی واقعی خودشان متحد می‌سازد. (عزیزی قمی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۴)

۵. راهبرد دولت جمهوری اسلامی ایران در بنیاد جامعه اطلاعاتی

با توجه به تعریف، مقاصد و مشکلات جامعه اطلاعاتی ایران، متغیرهای مختلفی از منابع متنوع مورد توجه قرار گرفت؛ ولی باید تذکر داد که توجه به بنیادهای کلی به منظور حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی، از منظر اندیشمندان دولت حایز اهمیت است. سوای اظهارات و دیدگاه‌های مقامات دولتی، اسناد مکتوبی از سوی نهادهای رسمی دولت جمهوری اسلامی بازتاب یافته که رویه‌های عملی و کاربردی را برای دوست‌داران جامعه اطلاعاتی انعکاس می‌دهد. از جمله این موارد، وظایف و چارچوب کارکرد شورای عالی اطلاع‌رسانی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در جلسات ۴۱۷ و ۴۱۸ ماه‌های اردیبهشت و مرداد ۱۳۷۷ به تصویب رسیده و بر این قرار وظایف مزبور تبیین شده است:

الف. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی هدایت و حمایت در زمینه تولید، پالایش، مبادله اطلاعات و نظارت بر امر اطلاع‌رسانی سراسر کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام؛ ب. تدوین و تصویب اصول

نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور؛ ج. ایجاد شرایط لازم برای تسهیل و تسریع تولید، ذخیره‌سازی، سازماندهی، توزیع، گسترش و به‌کارگیری اطلاعاتی در بخش‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فنی، آموزشی، و پژوهشی؛ د. هماهنگ کردن فعالیت‌های بخش دولتی و غیردولتی بر اساس نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور؛ ه. تدوین و تصویب مفاهیم، تعاریف، مقررات، آیین‌نامه‌ها، معیارهای اطلاع‌رسانی مورد نیاز نظام جامع اطلاع‌رسانی کشور. بر مبنای دگرگونی‌های ساختاری در زیربنای ساخت‌افزایی نیز تحولات قابل ملاحظه‌ای در ساختار اداری وزارت پست و تلگراف و تلفن در سال جاری به وقوع پیوسته است. بر این روند که ساختار ناظر بر آن وزارتخانه برای تجهیز ارتباطات کشور بهره‌مند از سه شرکت و زیر بخش گردید: شرکت ارتباطات زیرساخت، شرکت ارتباطات داده‌ها و شرکت ارتباطات سیار. دو وجه یادشده مبتنی بر سیاست‌گذاری در نظام اطلاع‌رسانی جامع کشور و دگرگونی در ساختار اجرایی وزارت پست و تلگراف و تلفن به منظور بهره‌مندی بهینه از زیرساخت‌های ساخت‌افزایی، علایق استراتژیک دولت جمهوری اسلامی ایران، در بنیاد جامعه اطلاعاتی چنین آشکار می‌شود:

برنامه استراتژیکی که مبتنی بر توسعه کاربری و فناوری اطلاعات و ارتباطات (تکفا) تلقی شده و با مباحثات متنوعی از سوی ناظران همراه بوده، یکی از اهم انتقادات بر چارچوب این برنامه نگرش به طرح تکفا می‌باشد که سعی دارد از طریق یک نهاد مجزا، به دیگر نهادها و سازمان‌ها تکنولوژی، اطلاعات را تزریق نماید؛ یعنی در یک کلام، «برای به‌کارگیری تکنولوژی اطلاعاتی، یک نهاد مجزا و جدید تشکیل نشده است.»؛ درحالی‌که بدیهی است، جوشش جوانه‌های دانش در جامعه ایرانی با توجه به وضعیت موجود فناوری ارتباطات و اطلاعات آن، نیاز به نیرو و حمایت‌های مستحکم دولت و طبیعتاً بخش خصوصی دارد. (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۶-۲۱)

نتیجه

در تعریف عام از جامعه، به عوامل مختلفی از روابط، مناسبات و طبیعتاً همکاری توجه شده است. در این خصوص، شکل مناسباتی و مقتضی تعریف جامعه، تفکرات مختلفی را برای اندیشمندان فراهم آورده است؛ مثلاً استاد مرتضی مطهری می‌گوید: «جامعه، مجموعه‌ای است از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی غوطه ورنند.» آنچه در این تعریف دارای مفاهیمی آشکار بیان شده، همکاری متأثر از جبر فیزیکی است که به واقع، یادآور ویژگی‌های پدیده اجتماعی از منظر امیل دورکیم مشتمل بر عمومیت و جبری بودن پدیده است. ادوارد وسترمارک، از رابطه و قاعده یک جامعه‌شناس غربی به این مفهوم نگاه می‌کند و می‌گوید: «جامعه، گروهی از مردم است که با همکاری یکدیگر زندگی می‌کنند.» در این باره، تأکید تعریف بر گروه‌های انسانی با توجه به ساختار مشارکت و همکاری آحاد اجزای جامعه است. آنچه از هر دو مفهوم از جامعه عیان است، ساختار جمعی

مردم بر اساس سلسله‌ای از معاضدت تلقی می‌شود؛ اما این مطلب که تا چه حد انسان‌ها عامل مشارکت و اظهار وجود و بیان را تحمل کنند، به شکل‌گیری نظریات مختلف از ساخت جامعه در ادوار تاریخی بشر منتهی شده که در تاریخ اندیشه‌های اجتماعی مورد لحاظ قرار می‌گیرد. موردی که از اصطلاح جامعه اطلاعاتی در چارچوب جامعه‌شناسی اخذ می‌شود، مبتنی بر فعالیت‌های متنوعی است که به طور مستقیم با تولید، توزیع، و کاربرد اطلاعات مرتبط است و بر این قرار، بنیان اقتصاد دانش بر کالا و خدمات مؤثر واقع شده و به نوعی ارتباطات، محور عملکرد کاربردی در عرصه جامعه واقع می‌شود. از دهه هشتاد میلادی که ویلیام مارتین بر موضوع جامعه اطلاعاتی بحث کرده تا به امروز، مناقشه‌های چندی از ارزیابی جامعه مزبور باقی مانده است؛ مثلاً دانیل بل، عامل اطلاعات را بر تحولات سازمان اجتماعی در هر جامعه، امری معتبر برشمرده است و یا ژان پی‌یر دوپویی، جامعه پسا صنعتی را همان جامعه اطلاعاتی دانسته و به شکل بدبینانه این نوع جامعه را «مرحله‌ای از تاریخ سرمایه‌داری» قلمداد می‌کند که با تضادهای خود دست‌به‌گریبان است. آنچه بیش از هر مطلب در جامعه اطلاعاتی و به نحو طبیعی تعریف آن مورد نظر می‌باشد، عوامل محسوسه است که در ویژگی‌های هر اجتماع مؤثر است. از جمله مک چسنی، انقلاب ارتباطی و قانون ارتباطات دوربرد را از عوامل اجتناب‌ناپذیر جامعه سرمایه‌داری معاصر تلقی می‌کند و یا دکتر منوچهر محسنی، سعی در ارزیابی مطلب از دیدگاه زیرساخت فنی

اجتماعی در جامعه اطلاعاتی نموده و طبقه‌بندی ویژه‌ای را در متغیرهای نوین این قسم از جامعه بیان می‌کند. این زیرساخت‌ها، برحسب مجموعه نظریات وی، عبارت است از: زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور، زیرساخت‌های مرتبط با دانش‌ها، زیرساخت‌های تکنولوژیک مرتبط‌کننده اطلاعات [۵]. بر این مبنای ویلیام مارتین در یک تعریف نهایی، از جامعه اطلاعاتی چنین می‌گوید: «جامعه‌ای که در آن کیفیت زندگی، همانند چشم‌اندازهای تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی، به میزان رو به تزایدی به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته شده، جامعه اطلاعاتی می‌گویند.» در ادامه، مارتین بر این عقیده است که در چنین جامعه‌ای، استانداردهای زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و بازار کار به میزان محسوسه تحت‌الشعاع پیشرفت‌هایی قرار گرفته که در قلمرو اطلاعات و دانش روی داده است. در تأیید این مطلب، می‌توان به مشابهت آرای سند شورای عالی اطلاع‌رسانی موسوم به «مروری بر رفتار توسعه نوین» با این استنتاج اشاره کرد:

جامعه اطلاعاتی یکپارچه، تبلوری مجدد از کلیه فرایندهای متعارف و سنتی اجتماعی نظیر کسب‌وکار و آموزش، و حتی فعالیت‌های شخصی نظیر تفریحات و امثال آن در قالبی نوین با استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات است. همچنین، بیل گیتز، مدیرعامل شرکت مایکروسافت، در کتاب خویش در آغاز هزاره نوین تحت عنوان در مواجهه با بانکداران آلمانی پرسش‌هایی مطرح می‌کند که در چالش با جامعه اطلاعاتی ایران به‌منزله کشوری در پی توسعه قابل بحث برای دولتمردان ایرانی است. وی در این شرایط نوین سؤال می‌کند: آیا بر این اعتقاد هستید که روزی سهم تجارت و بیشتر خانه‌ها با ارتباط بسیار سریعی در چارچوب وب قرار خواهد گرفت؟ آیا فکر می‌کنید بیشتر تجهیزات دیجیتالی به صورت همگانی خواهد شد؟ و در نهایت اینکه، فکر می‌کنید چه زمانی این روند صورت وقوع پیدا کند؟ همو پاسخ می‌دهد که باید برای دگرگونی آماده شویم. بدیهی است تغییر و دگرگونی از جامعه‌ای نیمه‌صنعتی و صنعتی به جامعه اطلاعاتی، الزامات و زیرساخت‌هایی طلب می‌کند که مبتنی بر فرهنگ‌سازی و آموزش نوین در جامعه دانش‌محور است. آموزش در جامعه دانش‌محور، مبتنی بر فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است که سطوح متنوعی را در چارچوب توسعه سازمان‌ها و حمایت از زیرساخت‌های فعالیت الکترونیکی دارد. بر این قرار، دولت به‌منزله نهاد حاکمیت و توده‌های ایرانی در منظر کاربران، پذیرای شرایط نوین بوده و مبتنی بر تغییراتی است که سطح سرمایه‌گذاری در سطح ملی و روح و فرهنگ ایرانی آن را در آینده پذیرا خواهد شد. ■

منابع

الف. فارسی

۱. اجاق، سیده زهرا (۱۳۸۴). «جامعه اطلاعاتی، انفجار اطلاعات، فویبای اطلاعاتی». مجله تحول اداری، ش ۵۰.
۲. شکرخواه، یونس (۱۳۸۴). «جامعه اطلاعاتی، چند دیدگاه بنیادی». مجله رسانه، ش ۶۲.
۳. بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۸۳). «انسجام اجتماعی در جامعه اطلاعاتی: نیم‌نگاهی به وضعیت ایران». سمینار ایران و جامعه اطلاعاتی.
۴. پاستر، مارک (۱۳۷۷). عصر دوم رسانه‌ها. ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
۵. پوراسماعیلی، محمد (۱۳۸۹). «چالش‌های استفاده از فضای مجازی بیگانه»، مجله دادنامه، ش ۵.
۶. حسنی، فرنود (۱۳۹۲). «جامعه اطلاعاتی و چالش‌های توسعه دانایی محور بررسی تقابل دو گفتمان جامعه اطلاعاتی و توسعه دانایی محور بر پایه فناوری اطلاعات در فرآیند جهانی شدن». مجله راهبرد، ش ۳۴.
۷. ربیعی، علی (۱۳۸۷). «رسانه‌های نوین و بحران هویت». مجله مطالعات ملی، ش ۳۶.
۸. سعیدی، رحمان (۱۳۸۳). «جامعه اطلاعاتی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها». تهران: سمینار ایران و جامعه اطلاعاتی.
۹. عزیزی قمی، پیمان (۱۳۸۷). «روابط عمومی در جامعه اطلاعاتی». مجله روابط عمومی، ش ۶۵.
۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ. جلد سوم، پایان هزاره، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، ویراسته علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ پنجم.
۱۱. مرادی، شیما (۱۳۸۸). «فرار پنهانی مغزها: تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فرار مغزها». مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره بیستم، ش ۲.
۱۲. وبستر، فرانک (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه اطلاعاتی. ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: انتشارات قصیده سرا.
۱۳. ودادی، احمد و دشتی رحمت آبادی، اعظم (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی». مجله مهندسی فرهنگی، ش ۱۰ و ۱۱.

ب. لاتین

1. Beck,U.(2009):Risk Society:Towards a New Modernity,Ed4,London:Sage.
2. Bedi,K.(2001),Government@net:New Governance Opportunities for India,New Delhi:Sage.
3. Beniger,J.(2009),The Control Revolution .Technological and Economic Origins of the Information Society,Ed11,Harvard University Press.
4. Doxiadis,C.(2013),Anthropopolis.City for Human Development ,New York University press.
5. Duff,A.(2000),Information Society Studies,Routledge Research in Information Technology and Society,Routledge.
6. Graham,E.(2003),Turning points and commitment in post-divorce relationships,Communication Monographs,Vol64.
7. Heeks,R.(2006),Reinventing Government in the Information Age,Ed6,London:Routledge.
8. Hillis,K.(2014),Digital Sensations,Minneapolis:University of Minnesota Press.
9. Kling,R.(2003),What is Social Informatics and Why Does it Matter?,Journal D-Lib,Vol3.
10. Machlup,F.(2010),The Production and Distribution of Knowledge in the United States,Ed15,Princeton University Press.
11. Masuda,Y.(2000),The Information Society as Post-Industrial Society,The World Future Society,Tokyo,IIS,Washington D.C.
12. Schement,J&Curtis,T.(2005),Tendencies and tensions of the information age,Publishers,NewBrunswick University.
13. Smith,M&Kollock,P.(2001),Communities in Cyberspace London:Routledge.
14. Webster,F.(2007),Information Technology:A Luddite Analysis;Ablex:New Jersey.
15. Webster,F.(2002),Theories of the Information Society,2nd Edition,London:Routledge.